

نشانه‌های رفع حصر

«اعتماد» در گفت‌وگو با فعالان سیاسی و حقوقدانان بررسی می‌کند

مهدی بیک اوغلی

«پزشکیان در حال مذاکره برای رفع حصر است.» این خبری است که از دیروز در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخد. منشا خبر هم ظاهراً به مصاحبه‌ای از غلامحسین کرباسچی بازمی‌گردد که در گفت‌وگو با هم‌میهن و مبتنی بر شنیده‌های خود اعلام کرد: «پیگیری رییس‌جمهوری به نتایج مثبتی انجامیده است.» بلافاصله پس از انتشار این خبر اما بازارهای واکنش‌ها و ارزیابی‌های تحلیلی درباره موضوع حسابی گرم شد. گروهی از تحلیلگران با تحسین رویکرد پزشکیان که در ایام تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری از دادن وعده در زمینه رفع حصر خودداری کرد اما بلافاصله پس از پیروزی در انتخابات، مذاکرات با نهادهای مسوول را برای پایان دادن به این مانع آغاز کرد به استقبال موضوع رفتند. گروه دیگری از تحلیلگران رفع حصر را یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها برای تحقق وفاق ملی، انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی ارزیابی کردند، اما این برای نخستین‌بار نیست که مسعود پزشکیان موضوع رفع حصر را مرتبط با بحث انسجام اجتماعی می‌داند. مسعود پزشکیان در سال 96 و در برهه‌ای که در شمایل نایب‌رییس مجلس دهم فعالیت می‌کرد به این موضوع واکنش نشان داده، رفع حصر را موجب ایجاد وحدت و انسجام ملی می‌داند و با یادآوری مسوولیت رییس‌جمهوری به عنوان رییس شورای عالی امنیت ملی و وعده‌های ایشان در زمینه رفع حصر، تاکید دارد که روحانی باید کمک کند این گره باز شود. پزشکیان همچنین با نقد رفتارهایی که علیه سیدمحمد خاتمی می‌شود، رییس دولت اصلاحات را سرمایه‌ای ارزشمند برای کشور ارزیابی می‌کند و برخوردهای نامناسب با لیدر اصلاحات را زیر سوال می‌برد. با گذشت 7 سال از آن اظهارنظر، مسعود پزشکیان که این‌بار خود در قامت رییس‌جمهور ایرانیان، رییس شورای عالی امنیت ملی و حافظ قانون اساسی فعالیت می‌کند، دست به کار شده تا در فضایی به دور از حاشیه‌های عمومی، زمینه رفع حصر و بازگشت حاکمیت قانون را فراهم

سازد. اساسا این ویژگی دولت پزشکیان است که تلاش می‌کند معادلات ناگشوده را در بستر حاشیه‌ها بلکه از دل گفت‌وگوهای تخصصی با مسوولان عالیرتبه حل و فصل کند. نمونه این نوع کنشگری در ماجرای معرفی کابینه و مهم‌تر از آن رای اعتماد مجلس اصولگرا به کابینه کاملاً هویدا شد. این‌بار اما پزشکیان دست به کار حل معادله‌ای شده است که طی 15 سال اخیر بخش قبل توجهی از حاشیه‌های سیاسی و اجتماعی کشور را شکل داده است. برخی از بزرگان مانند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی از آن ذیل عنوان «استخوانی در گروی حاکمیت» یاد کرده‌اند.

ضمن تشکر از تلاشها برای رفع حصر اما رفع حصر تنهایی را نمی‌خواهم

در این میان واکنش مهدی کروبی به خبر رفع حصرش هم بازخوردهای بسیاری در فضای عمومی کشور ایجاد کرد. مهدی کروبی ضمن تشکر از تلاش رییس‌جمهور و رییس قوه قضاییه برای رفع حصر، گفته است که امیدوارم رفع حصر به زودی انجام شود اما به شرطی که با رفع حصر میرحسین موسوی همزمان باشد. پیام ویژه مهدی کروبی به اژدهای و پزشکیان؛ ضمن تشکر از تلاشها برای رفع حصر اما رفع حصر تنهایی را نمی‌خواهم. حسین کروبی در پاسخ به خبرنگار انصاف نیوز درباره اظهارات اخیر غلامحسین کرباسچی مبنی بر اینکه خبرهای خوبی درباره رفع حصر در جریان است، گفت: باید بگویم که در هفته گذشته يك پیغامی از طرف آقای پزشکیان رییس‌جمهور و آقای اژدهای رییس قوه قضاییه داده شد که دنبال رفع حصر آقای کروبی هستیم و موافقت‌هایی شده است. لذا پیرو این پیغام، ما نظر آقای کروبی را خواستیم که يك چنین چیزی گفته شده است. به گفته او؛ «کروبی گفته که من و آقای موسوی سال ۸۸ به نتیجه انتخابات معترض بودیم و اعتراض ما هم باعث شد که من و آقای موسوی را به خاطر آقای احمدی‌نژاد، نزدیک به ۱۵ سال در حصر قرار دادند. در این مدت هم نه محاکمه‌ای انجام شد و نه حکم قضایی صادر شد و به صورت غیرقانونی جفت ما را در حصر قرار دادند. آقای کروبی گفت ضمن تشکر از آقای محسنی اژدهای و آقای پزشکیان که دنبال رفع حصر من بودند، ولی لازم است خدمت این دوستان بگویم که ما هر دو همزمان حصر شدیم و اگر قرار شود روزی رفع حصر شود ما هر دو باید رفع حصر شویم. لذا امیدوارم انشاءالله این کار به زودی انجام شود ولی با همدیگر باشد. من رفع حصر تنهایی را نمی‌خواهم. پیغام آقای کروبی را من به همراه مادرم حضوراً خدمت آقای اژدهای و برای آقای پزشکیان هم از طریق دوستانشان ابلاغ کردیم و امیدواریم که این حصر هرچه زودتر اما هر دو با هم رفع شود.»

«اعتماد» اما براي بررسی ابعاد مختلف پرونده، سراغ محمدصادق جوادي‌حصار و محمدتقي فاضلمیبدی فعالان سیاسي و صالح نقره‌کار حقوقدان رفته تا ابعاد حقوقي و سیاسي موضوع رفع حصر را از منظر تحلیلي بررسی کند.

لازمه وفاق رفع موانع و آشتی ملی است

محمد صادق جوادي حصار

«گرچه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم/بعد منزل نبود در سفر روحانی...حافظ»

به نظرم یکی از محکمت‌انسانی، رفتار همراه با همدلی و وفاق، همچنین تخلق به اخلاق مردانگی و جوانمردی است. آقای کروی و مهندس موسوی در منظومه رجال سیاسی کشور و شخصیت‌های علمی و فرهنگی و حزبی، یکی از نمونه‌ها و مصادق بارز این تمثیل هستند. به خاطر دارم وقتی محصوران راه مشترکی را آغاز کردند، آقای کروی به آقای موسوی گفت که مهندس! این راه، راه سخت و پرخطری است... در ادامه، امروز هم شنیدیم که آقای کروی اعلام کرده که اگر قرار است گشایشی در حصر صورت گیرد باید هر 3 محصور را شامل شود و نه تنها یکی را. واقع آن است که در همین مورد خاص هم ایثار و گذشت و اخلاق همراهی و وفاق را در رفتار آقای کروی می‌توان دید. ایشان بر عهده‌ای که با مهندس موسوی بسته بودند، باقی ماندند و در میانه راه حاضر به پیاده شدن از قطار همراهی نشدند. اساساً وفاقی که امروز دولت و ملت به دنبال تحقق آن هستند، همین‌گونه باید باشد. دست دوستی که بلند شد باید تا زمان حصول نتیجه باقی باشد. این رفتار می‌تواند الگویی باشد برای کسانی که در راه همدلی، همراهی و وفاق مومنانه و همدلانه قصد همراهی دولت را دارند تا این کشتی بلا زده و مصیبت دیده مدیریت کشور در ابعاد مختلف به سمت ساحل بهبود و رشد حرکت کند. کدورتی طی سال‌های اخیر میان مردم و مسوولان ایجاد شده است. با تذبذب‌هایی که پاره‌ای از تندروها و بدخواهان ایجاد کردند تا میان دوستان و همدلان و دلدادگان به انقلاب اسلامی را به هم زنند. در واقع حاسدان و بدخواهان کاری کردند که بزرگان انقلاب سخن هم را نشنوند و حرف هم را گوش ندهند. در این شرایط راه برای نفاق‌گران و وسوسه‌کنندگان باز شد تا در آتش اختلافات و دوگانگی‌ها و گیره‌ها

بدمند. تندروها تفاوتها را برجسته‌تر کردند تا از این آب گل آلود برای خود ماهی‌های بزرگ‌تر سوداگری صید کنند. ان‌شاءالله این رفع حصر منشأ تحقق وفاق ملی و رفع خصومت‌ها شود، ضمن اینکه امیدواریم جبران مافات هم شود. کسانی که طی همه این سال‌ها به بهانه دوستی با این شخصیت‌ها مورد جفا و بی‌مهری قرار گرفتند و در پاره‌ای از موارد حقوق آنها نادیده انگاشته شد، دلجویی شوند. هم دولت، هم نظام و هم نزدیکان به هر دو جریان برای همدلی وفاق در پی جبران گذشته بر آمده و مشکلات گذشته را به امید يك آینده روشن فراموش کنند. این مهم با نزدیک‌تر شدن دل‌ها به هم و رفع موانع شکل می‌گیرد. همین امروز هم که فاصله میان محصوران وجود دارد، همان‌گونه بعد منزل نبود در سفر روحانی...دل‌های این دوستان نیز به هم نزدیک است. معتقدم از ملت ایران برمی‌آید که گذشته‌ها را فراموش کرده و برای فردا، وفاق و آشتی ملی را ایجاد کنند. لازم است بین دولت دکتر پزشکیان و حاکمیت، همچنین مردم و دولت و طرفداران جریانات مختلف با هم، این وفاق و همدلی قدر دانسته شده و ارج نهاده شود تا فصلی نو از راه برسد و هنگامه‌ای مطلوب‌تری حاصل شود.

پیش‌نیاز آشتی ملی، رفع حصر است

محمد تقی فاضل میبدي

رفع حصر یکی از ضرورت‌هایی است که هر انسان دلسوز و عقل سلیمی در کشور از آن دفاع می‌کند. آقایان کروبی و موسوی، چهره‌هایی هستند که هم در سال‌های قبل از انقلاب و هم در سال‌های پس از انقلاب، مورد اعتماد امام (ره) بودند و زحمات زیادی برای جمهوری اسلامی و کشور کشیده‌اند. همه دلسوزان کشور امیدوارند، ماجرای حصر به پایان رسیده و موانع از پیش روی این گرامیان برداشته شود. البته من خبری از جزییات موضوع رفع حصر جز آنچه در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده، ندارم. اما امیدوارم این مساله سرانجام حل و فصل شود. به هر حال این عزیزان سن و سال بالایی دارند و فشارهای زیادی را متحمل شده‌اند. از نظر عرفی و قانونی و شرعی درست نیست که افرادی بدون دادگاه و طی مراحل قانونی با محدودیت، زندان یا حصری مواجه شوند. امیدوارم مسوولان محترم برای این معادله چاره‌ای بیندیشند تا این گره باز شود. در شرایطی که دولت مسعود پزشکیان بر وفاق ملی و افزایش انسجام اجتماعی پافشاری دارند، خوب است که حصر هم پایان پذیرد تا زمینه برای آشتی ملی میان همه اقشار و طیف‌ها فراهم شود.

البته به نظرم پس از حضور دکتر پزشکان فضای سیاسی کشور هم مهیای رفع حصر شده است. به هر حال نقش جریان تندرو و تنگ‌نظری که همواره قصد آسیب زدن به کشور و خالصسازی را داشتند، کمرنگ شده است. اندک جایگاهی که طیف‌های افراطی در مجلس داشتند از دست رفته است. در قوه مجریه هم دیگر جایگاهی ندارند، بنابراین از عالی‌ترین سطوح کشور تا دفتر ریاست‌جمهوری، مجلس، فعالان سیاسی و... به دنبال شکل‌گیری فضای تازه هستند. ایران باید از مشکلات سال 88 و معضلات پس از آن عبور کند. اینکه چه کسی مقصر بروز بحران‌ها بوده را تاریخ و افکار عمومی قضاوت می‌کند. اما امروز کشور نیاز به سامان یافتن و بهبود دارد. اقتصاد کشور مشکل دارد، آسیب‌های اجتماعی و فقر گسترش یافته، معضل بیکاری جدی است، مردم برای تامین معیشت خود با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو هستند و... با فرمان تندروها هیچ‌کدام از این مشکلات سامان نمی‌یابند. سیستم متوجه شده که جهت‌گیری‌ها نیازمند تغییر است، به نظرم یکی از مهم‌ترین علامت‌های این تغییرات، پایان دادن به حصر است. کاری که اصل آن مقبول و معقول نیست و ارکان آن قانونی نیست به سود کشور نیست. قطعاً دکتر پزشکان در این زمینه اقدامات و تلاش‌هایی صورت داده تا مشکلات حصر هم رفع شود. اساساً این به نفع خود نظام است که این پرونده گشوده را با تدبیر ببندد. در کل افکار عمومی منتظر تصمیمات عاقلانه در این زمینه هستند و این اقدام (رفع حصر) پیام عاقلانه مناسبی برای ورود به دوران تازه خواهد بود.

رفع حصر، تثبیت وضعیت حاکمیت قانون است

صالح نقره‌کار

اساس حاکمیت قانون بر پرهیز از رفتارهای سلیقه‌ای و عدم تجاوز از حدود اختیارات قانونی نهادهای عمومی است. هر مقام یا مرجعی باید صرفاً در چهارچوب صلاحیت‌های قانونی خود عمل کند. هرگونه تاسیس صلاحیت‌های اختیاری و انتزاعی باید در راستای خیر عمومی، منافع همگانی و اقداماتی که در راستای اجرای قانون است، به مرحله اجرایی برسد. موضوع حصر يك عمل حقوقی فراقانونی است که بر مبنای صلاحیت‌های اختیاری یا خود صلاحیت مقامات عمومی به صورت فراقانونی انجام شده و مصداق ممانعت از حق، تلقی می‌شود. به طوری که طی 10 الی

15 سال اخیر این ممانعت از حق در خصوص محصورین مشاهده میشود. در بسیاری از موارد حق آمد و شد و حق زیست شهروندی بدون اتکا به موازین قانونی و فقدان هرگونه ترتیب قانونی به منصفه اجرا رسیده است. در ابتدای حصر معاون دادستان تهران، نامه‌ای را از طرف دادستانی به محصورین ابلاغ می‌کند که در آن با اتکا به بند 15 اصل 156 قانون اساسی (قانون پیشگیری از وقوع جرم) موضوع حصر را به محصورین ابلاغ می‌کند. این امر که برای پیشگیری از وقوع جرم، حق‌ها و آزادی‌های شهروندی سلب شود، به نظر می‌رسد خارج از صلاحیت تقنینی و به نوعی عبور از مرزهای صلاحیت تخفیفی و ورود به صلاحیت‌های خود انتخاب و فراقانونی مراجع اداری یا قضایی است. به خصوص مراجع قضایی در اقدامات تأمینی خود اجازه ندارند حق‌ها و آزادی‌های شهروندان به خصوص حقوق اساسی و آزادی بنیادین را نقض کنند. ما اصل 9 قانون اساسی را داریم که در آن آمده حتی با وضع قانون هم نمی‌توان حق‌ها و آزادی‌های شهروندان را مخدوش کرد. از این جهت هرگونه اقدام برای رفع حصر، تثبیت وضعیت حاکمیت قانون است. انتظار می‌رود رییس‌جمهور به عنوان پاسدار قانون اساسی و متولی اصل 113 قانون اساسی از یک طرف و رییس قوه قضاییه به عنوان متکلف اصل 151 قانونی اساسی از سوی دیگر، تمام اهتمام خود را در راستای رفع هرگونه اقدام فراقانونی ناقض حق‌ها و آزادی‌ها به کار بندند. چه در خصوص افرادی که به عنوان کنشگران سیاسی خیر عمومی در مسیر نقد حاکمیت چه از نظر ساختاری و رفتاری و چه در خصوص افرادی که درباره وقایع سال 88 همچنان در مسیر حل مساله و رفع شبهات آن انتخابات حضور دارند، نمی‌توان آنها را به عنوان عناصر 3 گانه جرم در خصوص اقدام علیه امنیت ملی تلقی کرد. این نوع اتهامات برداشته‌های سلیقه‌ای مقامات غیرمسئول نسبت به یک موضوع خاص است. امیدواریم رییس‌جمهور و رییس قوه قضاییه از اقتدار قانونی خود برای حاکمیت قانون حسن استفاده را داشته باشند و زمینه رفع حصر را فراهم سازند.